

نظریات دینی و الهیات تحقق صلح در اسلام

حامد محقق نیا^۱، حمیدرضا کیاست^۲، الهه اقلیما^۳

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی واحد اهواز دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرمشهر، خلیج فارس

^۳ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرمشهر، خلیج فارس

چکیده

مقاله حاضر در مورد بررسی نقش نظریه‌های دینی و الهی صلح در توسعه و وحدت جوامع انسانی در دنیا به خصوص از نظر اسلام است، نویسندگان بر آن هستند که در این نوشتار به بررسی معانی مختلف صلح از دیدگاه‌های مختلف و اهداف این نظریه‌ها برای وحدت جوامع انسانی پرداخته شود، یافته‌های پژوهشی که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به دست آمده‌اند بیانگر این است که همه مذاهب الهی خصوصاً اسلام به صلح با دیدگاه ویژه‌ای می‌نگرند و آیات قرآنی که مردم را به صلح و مسالمت دستور داده مبین این مطلب است، در شرایط کنونی که افراط‌گری بیشتر از هر زمان دیگر صلح و دوستی جهانی را تهدید می‌کند اهمیت این نظریه‌های دینی و الهیات صلح در روابط بین الملل این سوال را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان به مبنای منابع معتبر و روش علمی مقبول اندیشمندان دینی، به نظریه‌های منسجم دست یافت و جهت وحدت جوامع انسانی از گفتگو به جای خشونت استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: صلح، نظریه الهیات صلح، جهاد، امنیت، حقوق بشر.

مقدمه

هر اندیشه نظام‌مندی بر دو پایه جهان‌بینی (شناخت عالم هستی و قوانین حاکم بر آن) و ایدئولوژی (مجموعه قوانین جهت تنظیم رفتارهای انسان) استوار گشته است و ایدئولوژی‌ها همواره، از نوع نگرش انسان با جهان هستی متأثر بوده است. به همین دلیل لازم است آنچه در نظام تشریح و قانون‌گذاری مورد توصیه قرار می‌گیرد با نظام تکوین و قانون‌مندی‌های جاری در نظام آفرینش متناسب باشد؛ یعنی بین قوانین حاکم بر خلقت و قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه، گسستی وجود نداشته باشد (مجمع جهانی صلح اسلامی/ فقیه‌ی مقدسی ۹۴/۲/۱۵). به طور واضح‌تر صلح در نظام آفرینش تعریف شده است و توسط ادیان الهی خصوصاً اسلام به ما رسیده و ابلاغ شده لذا اطاعت از دستورات اسلام مهیا کننده زمینه صلح است. همانطوری که در خصوص مسائل جنگ نظریه‌های جامعه‌شناسانه جامع و روشنی وجود ندارد، در باب صلح نیز ما با نظریه یا نظریاتی مشخص و معین روبرو نیستیم. برای مثال تمام نظریات علی، خشونت و درگیری را بطور تلویحی تابع یک استدلال قیاسی و هنجای می‌شناسد، بنابراین برای آنکه صلح استقرار یابد، ضروری است که آن را تحت کاربرد نظریه‌ای تعریف نماییم. در ادامه مقدمه لازم است به دو نظریه صلح اشاره کرد که اول نظریه خوش بینانه است که صلح را امری طبیعی و عادی قلمداد می‌کنند، درست مانند تندرستی بدن انسان و چنانچه جنگی بروز نماید شبیه آن است که میکروب، سلامتی ما را تهدید می‌نماید و عکس‌العمل بدن برای رفع آن صورت می‌پذیرد. پس به دنبال هر جنگی، صلحی باید پایدار گردد و جامعه سلامت خود را بازیابد. نظریات، خوشبینانه، اصالت را به صلح می‌دهند و برای جنگ حالت یا امری مرزی و موقتی قائل می‌شوند؛ و دوماً نظریه بدبینانه که در این نظریه جنگ یک امر ابدی و دائمی است و چون در طول تاریخ و در بین اقوام و ملل گوناگون به وفور رخ داده است، آن را امری طبیعی یا حتی ضروری دانسته و صلح را موقتی و گذرا تلقی نموده‌اند.

سن سیمون در نظریه خود معتقد است که رابطه‌ای بین پدیده جنگ و صنعتی شدن جامعه وجود دارد و جامعه صنعت در دیگاه جامعه‌شناسان، جامعه مدرنیته است و نقطه مقابل جامعه سنتی است که در آن فکر مخول شده و سنت‌ها کارکرد خود را از دست داده‌اند. با صنعتی شدن جامعه پدید جنگ نیز رفته رفته کمرنگ شده و از بین می‌رود. دلیل سن سیمون برای نظرش در جوامع ابتدایی یا سنتی، جنگ کارکرد اقتصادی داشته، یعنی بردگانی را بدست آورده و از این برده‌ها در جهت تولید استفاده می‌کرده است. حال وقتی جامعه صنعتی می‌شود، دیگر نیازی به برده نیست و از تکنولوژی استفاده می‌کنند، زیرا فکر هم کار می‌کند. پس پدیده جنگ یا صلح وابسته به پدیده صنعت است و این دیدگاه خوشبینانه است. اگوست کنت در نظریه خود دیدگاه خوش بینانه دارد وی جوامع انسانی را به جوامع نظامی و صنعتی تفکیک می‌کند. از نظر او جنگ، انسان‌هایی را که تنبل و هرج و مرج طلب هستند، به قبول کار منظم مجبور می‌کند. او معتقد است به موازات تبدیل جامعه نظامی به جامعه صنعتی، جنگ نیز از میان انسان‌ها رخت می‌بندد. او می‌گوید جامعه صنعتی جامعه‌ای است که در آن کار جای جنگ را گرفته است. در این میان از نظریه ماکس وبر می‌توان سخن گفت: وبر اعتقاد دارد صلح جوی عالی است که از گرفتن شمشیر و پاسخ گفتن به قهر از راه قهر امتناع دارد. او این تعلیم منسوب به مسیحیت را که «اگر کسی به گونه تو سیلی نواخت گونه دیگر را نیز برای او مهیا کن» مثال می‌زند و می‌گوید این روش اگر روش باشکوه نباشد، باید آن را نشانه‌ای از سست عنصری آن فرد بدانیم. پس یک حالت روحی واحد می‌تواند حالتی باشکوه یا حالتی پست و حقیر باشد. صلح جویی مبتنی بر اعتقاد فقط هنگامی توجیه پذیر است که بر تصویری کلی از جهان استوار باش (شبکه ملی مدارس رشد).

۱. مفهوم صلح در لغت

صلح آشتی، سازش در اصطلاح سیاست: دست کشیدن از جنگ با عقود قرارداد (عمید، حسن/۱۳۷۷/ج ۲/۱۳۶۶). «صلح» واژه‌ای عربی است و کاربرد آن در زبان فارسی بسیار متداول است. فرهنگ واژگان فارسی، صلح را به سازش و آشتی معنا کرده‌اند و برخی نیز این سازش و آشتی را متفرع بر وجود دعوایی دانسته‌اند.

«صلح» در فرهنگ واژگان عربی به معنای مصالحه بین افراد می‌باشد در مفهوم دقیق عربی، صلح وقتی تحقق می‌یابد که دشمنی از میان برداشته شود و مسالمت و سازش جایگزین آن گردد. (ارجینی، حسینی: ۲۳۱/۱۳۸۷).

۱-۱ مفهوم صلح از دیدگاه قرآن

در برخی آیات معنای لغوی واژه «صلح» مد نظر است و به معنای حل اختلافات خانوادگی به کار رفته است: «وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ...» مشتقات «صلح» در آیات زیادی به کار رفته است که به معنای لغوی (سازش و آشتی) نزدیک است. البته در آیاتی «صلح» به معنای اصلاح در برابر افساد نیز آمده است.

در قرآن واژه «سلم» مترادف با صلح است، با این تفاوت که «سلم» درباره صلح و آشتی در روابط خارجی مسلمانان به کار رفته است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا». (ارجینی، حسینی: ۲۷/۱۳۸۷)

۱-۲ مفهوم صلح در اصطلاح فقها

«صلح» در آثار فقها بیشتر در ابواب فقهی «معاملات» و «جهاد» به کار رفته است. این واژه در باب معاملا به معنای سازش و رفع خصومت در مورد تعهدات مالی است. در باب جهاد نیز بیشتر فقها از آن تعبیر به معادنه و ترک قتال که به معنای آتش بس می‌باشد کردند و به طور مستقل به بحث صلح از دیدگاه اسلام نپرداختند. البته مسائلی که در باب مهاده ذکر شده، فراتر از بحث آتش بس و ترک جنگ است و صلح قبل از وقوع جنگ را نیز شامل می‌شود. قرارداد صلح به اجماع فقهای شیعه برای دولت اسلامی جایز است، اما در این که قرارداد صلح همان قرارداد ذمه، هدنه و امان است و یا قرارداد جداگانه‌ای است، اختلاف نظر وجود دارد. فقها در موارد مختلف، ضمن بحث از قراردادهایی چون ذمه، امان و هدنه به ادله عامی چون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» و «فَأْتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ» و مانند این‌ها استناد نموده‌اند که نشان دهنده اصلت صلح و عهد به طور مستقل و جدا از عقود معینی چون ذمه، امان و هدنه در روابط خارجی دولت اسلامی می‌باشد. مفاد از عقود معینی چون ذمه، امان و هدنه در روابط خارجی دولت اسلامی می‌تواند نوع دیگری از قرارداد صلح را خارج از چارچوب و ضوابط و شرایط قراردادهای معین نامبرده با دارالکفر منعقد کند و خصوصیتی که هر کدام از قراردادهای ذمه، امان و هدنه وجود دارد نمی‌تواند؟ ادله عامه گذشته را تخصیص بزند. (ارجینی، حسینی: ۲۸/۱۳۸۷)

۱-۳ مفهوم صلح در اصطلاح روابط بین الملل

صلح در اصطلاح روابط بین الملل به معنای «حالت آرامش و امنیت عمومی در کشور و روابط عادی با کشورهای دیگر» است. در این تعریف به امنیت داخلی و روابط خارجی عادی تأکید شده است. البته صلح به نبود جنگ و توسعه مناسبات و همیاری نیز تعریف شده که در این صورت، صلح تنها به معنای عدم درگیری نظامی نیست، بلکه داشتن روابط حسنه و همکاری نیز از آن فهمیده می‌شود.

به طور کلی در شرایط عادی بین کشورها صلح حاکم است و در حقیقت صلح یکی از هدف‌های اساسی کشورها در صحنه بین الملل است. جنگ حالت موقتی است که می‌توان آن را فترتی در توالی تاریخی صلح محسوب کرد. از نظر روابط بین الملل؛ «صلح» پرهیز از اختلاف و برخورد نظامی شدید با دیگر کشورها است؛ به عبارت دیگر صلح ثبات نسبی نظامی و فقدان اختلاف و بی نظمی در سیستم امنیت بین المللی است.

در روابط بین الملل واژه صلح به معنای وسیع عدم درگیری نظامی و داشتن روابط خارجی حسنه با دیگر کشورها می‌باشد که از آن به «همزیستی مسالمت آمیز» تعبیر می‌شود و همزیستی در اصطلاح روابط بین الملل با هم زیستن کشورها و ملت‌های

مختلف در حالی که دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت می‌باشند، تعریف شده است. (ارجینی، حسینی: ۱۳۷۸ تا ۲۸). (۳۲).

۲- مفهوم منازعه در لغت

در فرهنگ واژگان فارسی «منازعه» به معنای دشمنی، جنگ و ستیز آمده است که دارای مفهومی گسترده‌تر از درگیری نظامی است. در فرهنگ واژگان عربی نیز «منازعه» به معنای دشمنی و ستیزه‌جویی استعمال شده است که مفهومی اعم از درگیری نظامی دارد. «منازعه» به معنای درگیری نظامی در لغت عربی با واژه‌های «جهاد»، «حرب»، «قتال» مترادف است که معادل فارسی آن «جنگ» می‌باشد.

۲-۱ مفهوم منازعه از منظر قرآن

در قرآن کریم کاربرد مشتقات «منازعه» در مورد نزاع و درگیری‌های مربوط به امور داخلی مسلمانان است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» همچنان که می‌بینیم از این واژه برای نزاع و درگیری با دشمنان خارجی استفاده نشده است. (ارجینی، حسینی: ۱۳۸۷/۳۲)

۲-۲ مفهوم منازعه در اصطلاح روابط بین الملل

لوئیس کوزو، منازعه را چنین تعریف می‌کند: «مبارزه‌ای بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع نادر که در آن هدف هر یک از طرفین خنثی کردن، صدمه زدن و یا نابود ساختن رقبای خویش است». این تعریف نشان می‌دهد که منازعه در اصطلاح روابط بین الملل نیز مفهومی اعم از جنگ دارد.

در تعریف دیگری از منازعه چنین آمده است: «منازعه حاکی از وضعیتی است که دو ملت- یا دو ملت- و یا دو گروه از آن‌ها در صدد انجام کنش‌هایی برآیند که با یکدیگر نازگارند»، البته منازعه ضرورتاً در شکل رفتاری خشونت آمیز ظاهر نمی‌شود، بلکه ممکن است با استفاده از ابزارهای ظریف سیاسی، اقتصادی، روانی و اجتماعی صورت پذیرد.

در روابط بین المللی معاصر، ارتباطات و تبلیغات سهم زیادی در ایجاد و رفع منازعات دارند و قدرت‌های بزرگ با در اختیار داشتن بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای و تبلیغاتی، خواسته‌های خود را از این طریق بر دولت‌ها و ملت‌های ضعیف تحمیل می‌کنند. (ارجینی، حسینی: ۱۳۷۸ تا ۳۲ و ۳۳)

۳- مفهوم جهاد

۳-۱ مفهوم جهاد در لغت

جهاد از ریشه «جهد»- به فتح یا ضم- به معنای طاقت و مشقت است. پس به هر کاری که همراه با مشقت و نیازمند صبر و تحمل باشد، جهاد می‌گویند. برخی از کتاب‌های لغت، «جهد» را به مشقت و «جهد» را به طاقت معنا کرده‌اند. در هر صورت جهاد به معنای نهایت تلاش و تحمل مشقت است و این تلاش شامل تلاش‌های جانی، مالی و فکری و نیز اعم از کارهای خیر یا شر می‌باشد.

۳-۲ مفهوم جهاد از دیدگاه قرآن

آیات شامل مشتقات «جهاد»، این واژه را در مفهوم تلاش در راه انجام کارهای نیک و بد و به کار گرفته‌اند. مشتقات جهاد در آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» و «وَالَّذِينَ جَاهِدُوا فِينَا لَنُدِينَنَّهُمْ سُبُلَنَا». به معنای هر تلاشی در راه خداوند است، اما در آیه «وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» به معنای تلاش والدین برای مشترک کردن فرزندان خود می‌باشد. نیروها اعم از فیزیکی و روانی حتی صرف مال در کارهای خداپسندانه و تأمین هزینه‌های نظامی (جهاد مالی) را شامل می‌شود. (ارجینی، حسینی: ۱۳۸۷ / ۳۵).

غریزه حفظ و صیانت، آگاهانه یا ناآگاهانه، اساسی‌ترین غریزه‌هاست هر که زندگی می‌کند، می‌ترسد.

۴- مقوله ((ترس آفرین))

اما مقوله دوستی و دشمنی به نوبه خود زا مقوله مهم دیگری، یعنی مقوله ((ترس آفرین)) منتج می‌شود که خود، در عین حال، علت عام بسیاری از طرز تلقی‌ها و رفتارهای ماست؛ زیرا تار و پود حیات انسانی- فردی و جمعی، در صلح و در جنگ- از جبر و تهدید بافته شده است انسان از آفت‌های محیط پیرامون خود که به وجود او مرتبط هستند، می‌هراسد: آب و هوا، اختلاف‌های جوی، فصول، طوفان‌ها، رعد و برق، طغیان آب، خشکسالی، زمین لرزه، بیماری‌ها مستری، سوانح و ...

مقوله ((تهدید کننده)) این جنبه از غریزه صیانت ما را توضیح می‌دهد. این غریزه در واقع خود را با اقدام‌های مخرب هموعان ما مواجه می‌بیند: فعالیت‌های غارتگرانه و منهدم کننده یا پرخاشگری گروه‌های دشمن.

انسان‌ها - وقتی پای ((تهدید کننده)) در میان است- با رقبای واقعی سر و کار دارند و نه با اشباح. انسان‌ها به ویژه با ابزار ((انسان ابزار ساز)) از خود دفاع می‌کنند.

آنها می‌کوشند تا سلاح‌ها، تکنیک‌ها و سازمان‌های خاصی ایجاد کنند که برای چنین هدفی مناسب باشد. ریشه ((بخش چهارم)) و بنیان فعالیت‌های امنیت بخش گروه در همین جاست.

۴-۱- مقوله ((امنیت)) - امنیت ریشه صلح است. امنیت تلاش‌های غریزی ما را- که هدفش ایجاد محیطی انسانی و حمایت کننده هاست- ترغیب می‌کند.

ابن خلدون می‌گوید که: ((انسان تنها حیوانی است که برای زیستن به یک مقام مقتدر نیاز دارد)) و می‌افزاید که انسان بدون این مقام مقتدر نمی‌تواند ترقی کرده و حتی زندگی کند، زیرا نقش مقام مقتدر، هشیار بودن در هنگام تهاجم خارجی، تأمین نظم داخلی گروه و ممانعت از درگیری‌های خونین و کشنده بین اعضای گروه است (گاستون بوتول: ۱۳۸۸ / ۱۹ تا ۲۳).

معنای اصلی و استاندارد امنیت به معنای ایمن بودن و دور بودن از مخاطرات است. باید توجه داشت که واژه امنیت به طور تلویحی دارای معنایی منفی است؛ زیرا اغلب به معنای حفاظت و دفاع در مقابل خطرات و تهدیدات مورد استفاده قرار می‌گیرد تا اینکه به دنبال ارتقای شرایطی مطلوب و ویژه باشد. امنیت بر اساس توجیه نظریه‌های اجتماعی امری است که باید به وسیله قدرت دولت تأمین گردد.

دولت‌ها امنیت ملی را متعالی‌ترین هدف خود قرار داده‌اند. آنها مدعی‌اند که می‌توانند به تأمین امنیت شهروندان خود بپردازند؛ اما سؤال این است که «امنیت چه کسی مورد نظر است؟» اغلب، امنیت به معنای حفاظت در مقابل خواست بیگانگان تعبیر

می‌شود؛ زیرا ممکن است بیگانگان حکومت‌ها را با آشوب سازی‌های داخلی تهدید نمایند. از این لحاظ به امنیت بازدارندگی در مقابل تهدیدات داخلی نیز گفته می‌شود.

۵- اندیشه صلح:

مفهوم صلح با توجه به پیچیدگی‌اش، مستلزم تجربه یک زندگی اجتماعی پیشرفته‌تری است که شامل مناسبات نهادی حقیقی باشد. به ویژه به یک نوع تقسیم کار و یک سلسله مراتب قبیله‌ای و برخی عادت‌های مرتبط به بعضی خصومت‌های سازمان یافته، نیاز دارد. جنبه دوم مفهوم صلح، آن را به وضوح از مفهوم جنگ جدا می‌کند. از این امر نتیجه می‌گیرند که حیات روانشناختی هر جامعه سازمان یافته زیر تسلط نوسانی اساسی قرار می‌گیرد: گذرا از حالت جنگ به صلح و بر عکس از حالت صلح به جنگ، هر حالت، ورود به جهان متناقض دیگری را نشان می‌دهد. ارزش‌ها و قواعد اخلاقی ویژگی‌های خود عوض می‌کنند و در هر مرحله گذر دستخوش تحولی حقیقی می‌شوند و مفهوم خود را تغییر می‌دهند.

۶- مقوله (بیطرفی):

از این موقعیت جدید- مفهوم جدیدی نیز مستفاد می‌شود. این مفهوم جدید، مقوله بیطرفی است. بیطرفی بیانگر حالت گروهی است. (واعضایش) که در جریان یک کشمکش مسلحانه شرکت نمی‌کند. در این حالت، گروه- حداقل در زمینه شرکت در نزاعها- نه دشمن محسوب می‌شود و نه متحد یکی از گروه‌های درگیر.

۷- جدایی صلح و جنگ:

در تمدن‌های مختلف پیرامون این نمونه اساسی، نهادها و فعالیت‌های متناقض در بطن جوامع مشابه رشد می‌یابند. این نهادها و فعالیت‌های متناقض شامل جریان دو گانه‌ای هستند که به دو ابداع منتهی می‌شوند. الف) هدف یکی از جریان‌ها جدا کردن شدید جنگ از صلح- به سبب اجتناب از موقعیت‌های مبهم- است. برای رسیدن به چنین هدفی، تعیین حدود و ثغور سیاسی و حقوقی بین دو عرصه فوق را لازم می‌دانند.

ب) تأسیس نهادها و مناسک خاص مرحله گذر- که با تشریفات همراهند- و مناسک مذهبی و نمادین خاص، برای ابهت بخشیدن به صلح یا جنگ. در رم باستان، هیأتی از کشیشان رسماً مسئول اعلان جنگ یا صلح بود: ابلاغ اولتیماتوم‌ها، تکفیر کردن، نفرین کردنها و یاری طلبیدنها. سرباز قبل از اعزام به جبهه جنگ، طی مراسم با شکوهی تقدس پیدا کرد.

ج) تحولات غیر مستقیم بر صلح اثر می‌گذارد؛ زیرا سازمان ارتش‌های منظم می‌کوشد تا عملیات نظامی را در بعضی نقاط متمرکز کند و مناطق وسیعی را به عنوان مناطق امن- مانند زندگی در زندگی صلح- برای زندگی آزاد بگذارد.

د) سرانجام، تلاش‌های گوناگون اخلاقی (به معنای وسیع کلمه مذهبی، سیاسی، حقوقی) و تکنیکی برای نیل به استقرار صلح، ثبات و دفاع از آن صورت می‌گیرد. این امر که به ظاهر آسان به نظر می‌رسد، در واقع بسیار پیچیده است. این پیچیدگی نه تنها به دلیل موانع مختلف است- که باید حل و یا بررسی شود- بلکه بیشتر به این سبب است که صلح بی مقدمه و ناگهان مستقر شده، سوال‌های متعددی ملاحظه این نکته ضروریست که خشونت، اراده و هشیاری را به مراتب بیش از سکون و آرامش نمایان می‌کند. اولین نقاشان ما قبل تاریخ بعضی خشونت‌ها را به تصویر کشیده‌اند، تصویر مردان مسلح و صحنه‌های شکار یا نبرد، نقاشی‌های خاص این دوره‌اند. (گاستون بوتول: ۱۳۸۸ / ۲۴ تا ۲۸).

۸- شرایط صلح داخلی

صلح موجود میان گروه‌های اجتماعی در داخل یک دولت بر بنیانی دو گانه استوار است:

عدم تمایل اعضای جامعه به بر هم زدن صلح؛ و ناتوانی آنها در صورت تمایل به انجام آن. اگر قدرت خارق العاده‌ای بکوشد اقدام علیه صلح را ناکام سازد، افراد قادر به بر هم زدن صلح نخواهند بود. افراد، در دو وضعیت تمایلی به بر هم زدن صلح ندارند. از یک سو، حس وفاداری آنها نسبت به جامعه در کل، باید بیش از وفاداریهای آنها به هر یک از بخش‌های آن باشد. از سوی دیگر، آنها بتوانند از جامعه انتظار داشته باشند که با ارضای اندکی از نیازهای آنها، حداقل تا حدی عدالت را برقرار سازد. وجود این سه شرط (نیروی خارق العاده، وفاداری فرا-مخلی و انتظار عدالت) استقرار صلح در کشورها را میسر می‌سازد و فقدان این شرایط در صحنه بین الملل، خطر جنگ را ایجاد می‌کند.

۹- وفاداری‌های فرامحلی

جوامع ملی از تعداد زیادی گروه‌های اجتماعی تشکیل می‌شوند. برخی از این گروه‌ها با یکدیگر تضاد دارند، بدین معنا که ادعاهای آنها قابل جمع نیست. قابل جمع نبودن دعاوی متضاد، خصوصاً در حوزه اقتصادی مشهود است که ممکن است در آن گروهی خواهان شرکت در منافع اقتصادی‌ای شود که گروه دیگر از اعطای آن خودداری می‌کند. این مسأله یعنی توزیع منافع اقتصادی صرفاً مثالی چشمگیر از یک پدیده اجتماعی عام است که در مورد احزاب سیاسی، فرقه‌های مذهبی، گروه‌های نژادی، مناطق و محله‌ها نیز صدق می‌کند.

۱۰- انتظار عدالت

در جوامع ملی، مسأله عدالت در دو سطح مطرح می‌شود. یکی در سطح اصول کلی مشترکی است که جامعه در کل می‌پذیرد؛ دیگری سطح دعاوی خاص گروه‌های مختلف است. در سطح اصول کلی تهدیدی نسبت به صلح صورت نمی‌گیرد، زیرا همگان در مورد اصول کلی که خیر مشترک جامعه بر اساس آن تعریف می‌شود، متفق القول هستند. اصولی مانند دموکراسی، عدالت اجتماعی، برابری و آزادی بیان، مادام که در حوزه انتزاعیاتی قرار دارند که هدف غایی تلاش‌های جمعی جامعه را تعریف می‌کند، صلح جامعه را در معرض خطر قرار نمی‌دهند.

البته این انتزاعیات در مواردی که گروه‌های اجتماعی از آنها برای پیشبرد دعاوی متعارض خود استفاده می‌کنند، به سلاح‌های کارایی در کشمکش‌های اجتماعی تبدیل می‌شوند. این دعاوی در مقابل جامعه و چالش آن قرار می‌گیرد. جامعه ممکن است بتواند بدون آنکه صلح آن در معرض خطر قرار گیرد، دعاوی گروه‌های کوچک و ضعیف را نادیده انگارد. همبستگی اجتماعی و انحصار خشونت سازمان یافته آنچنان قوی است که می‌تواند مانع از آن شود خشم و بی‌علاقگی این گروه‌های کوچک و ضعیف، آزادانه در مقابل نظم اجتماعی قرار گیرد. مع هذا، جامعه نمی‌تواند بدون پذیرش خطر انقلاب و جنگ داخلی (یعنی بدون آنکه صلح و بقای خود به عنوان کلیتی واحد را در معرض خطر قرار دهد) عدالت طلبی گروه‌های بزرگ و بالقوه قدرتمند را نادیده انگارد.

جوامع ملی، صلح و نظم خود را مرهون وجود دولتی هستند که قدرت فائقه را در سرزمین ملی در اختیار دارد و صلح و نظم را حفظ می‌کند. این در حقیقت آموزه‌ها بزرگ است که می‌گفت جوامع ملی، بدون وجود چنین دولتی به صحنه بین الملل شباهت می‌یابند و جنگ «همه علیه همه» وضع عمومی نوع بشر خواهد شد. نتیجه منطقی این مقدمه آن است که صلح و نظم بین المللی تنها در چارچوب دولتی جهانی مرکب از همه ملت‌های جهان تأمین خواهد شد.

از زمان فروپاشی نظم جهانی قرون وسطی تا بحال، این استنتاج گهگاه مطرح شده است. (مورگنتا: ۱۳۸۹، ۷۹۲، ۷۹۷).

۱۱- وظایف چهارگانه دیپلماسی

پیش از این بر اهمیت بارز دیپلماسی به عنوان یکی از عناصر قدرت ملی تأکید کردیم. اهمیت دیپلماسی برای حفظ صلح بین المللی صرفاً یکی از ابعاد کارکرد کلی آن است، زیرا دیپلماسی که به جنگ منتهی شود، در هدف اصلی خود، یعنی پیشبرد منافع ملی از طریق بازار مسالمت‌آمیز، شکست خورده است. همیشه چنین بوده است و با توجه به امکانات انهدامی جنگ تمام عیار نیز این امر اهمیت خاصی می‌یابد.

اگر دیپلماسی را در گسترده‌ترین معنای آن شامل همه ابعاد سیاست خارجی است، در نظر بگیریم، دیپلماسی چهار وظیفه دارد: (۱) دیپلماسی باید اهداف خود را با توجه به قدرتی که به طور بالفعل و بالقوه برای تعقیب این اهداف در اختیار دارد، تعیین کند (۲) دیپلماسی باید اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالفعل و بالقوه آنها برای تعقیب این اهداف را برآورد کند. (۳) دیپلماسی باید تعیین نماید که این اهداف مختلف تا چه حد با یکدیگر سازگار هستند (۴) دیپلماسی باید ابزار مناسبی را برای تعقیب این اهداف به کار گیرد. عدم موفقیت در انجام هر یک از این وظایف، موفقیت سیاست خارجی و همراه با آن صلح جهانی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

دولتی که برای خود اهدافی را در نظر می‌گیرد که قدرت نیل به آنها را ندارد، به دو شکل با خطر جنگ مواجه می‌شود. چنین دولتی احتمالاً قدرت خود را پراکنده می‌کند ولی آنچنان در همه نقاط اصطکاک قوی نیست که بتواند مانع از مبارزه دولت متخاصم قدرتمند علیه خود شود. شکست سیاست خارجی این دولت ممکن است او را به عقب نشینی وادار کند و با توجه به قدرت واقعی اهداف خود را مجدداً تعریف نماید؛ اما به احتمال قویتر، این دولت زیر فشار افکار عمومی به هیجان آمده، در راه هدفی غیر قابل حصول پیش می‌رود، از همه منابع خود برای نیل به آن استفاده می‌کند و سرانجام، آن هدف را با منافع ملی اشتباه می‌گیرد و راه حل مسأله‌ای را که از طریق مسالمت‌آمیز میسر نیست، در جنگ می‌جوید. (هانس‌رجی، مورگنتا: ۱۳۸۹، ۸۴۵، ۸۴۶).

۱۲- وجوب حفظ دارالاسلام و دفاع از آن

اگر بخشی از دارالاسلام مورد هجوم دشمنان اسلام قرار گیرد، بر تمامی مسلمانان - در هر جایی که باشند - واجب است از کیان اسلامی دفاع کنند. این نکته مورد اتفاق همه فقهای شیعه و سنی است.

صاحب جواهر درباره دفاع از دارالاسلام می‌فرماید: «هو و ان لم یکن من الضروریات فلا ریب فی کونه من القطعیات» از نظر ایشان، دفاع از کیان اسلامی، اگر از ضروریات نباشد، شکی نیست که از قطعیات دین مبین اسلام است. به نظر صاحب جاهر اگر کفار اراده کنند اسلام و شعائر آن را از بین ببرند: «فلا اشکال فی وجوب الجهاد حینئذ ولو مع الجائر لکن بقصد الدفع عن ذلک... بل الاجماع بقسمیه علیه». پس به قصد دفاع از کیان اسلامی، جهاد حتی همراه با احکام جائز جایز است و فقها بر این مطلب اجماع دارند.

حضرت امام (ع) در تحریر الوسیله درباره وجوب دفاع از سرزمین‌های اسلامی می‌نویسد: «لو خفیف علی احدی الدول الاسلامیه من هجمه الاجانب یجب علی جمیع الدول الاسلامیه الدفاع عنها بأی وسیله ممکنه کما یجب علی سائر المسلمین»؛ بنابراین، ایشان دفاع از سرزمین‌های اسلامی را به هر وسیله‌ای بر همه مسلمانان واجب می‌داند.

فقیهان اهل سنت نیز در واجب بودن دفاع از تمام اجزای «دارالاسلام» بر همه مسلمانان، اتفاق نظر دارند. نووی در این باره گوید: «الجهاد فرض عین علی کل مسلم اذا انتهکت حرمة المسلمین فی اب بلد فیہ لا اله الا الله محمد رسول الله». (حسینی، ارجینی: ۱۳۸۷، ۵۲)

۱۳- صلح مهمترین محور اسلام و ضرورتی برای جوامع انسانی است

خدا دین اسلام را به صلح قرار داده و آن ضرورتی برای جوامع انسانی است، اندیشه صلح را از مهم‌ترین محورهای اسلام خواندند که در منظوره اخلاق اسلامی قرار دارد.

صلح آرزوی جوامع اسلامی است که امنیت را محقق و بر آرامش تأکید دارند.

و اینکه صلح چیزی نیست که انسان آن را بسازد، بلکه از مهم‌ترین اهداف و مقاصد او به شمار می‌رود، تصریح کرد: اسلام نیز به آن اهمیت می‌دهد؛ بنابراین به عهده مسلمانان نیست که آن را قبول کنند و یا با آن به مخالفت برخیزند، بلکه خدا دین اسلام را از صلح قرار داده و صلح نیز ضرورتی برای جوامع انسانی است.

با توجه به شرایط موجود، اسلام را به خشونت و ترور متهم می‌کنند، اما باید چهره حقیقی اسلام را که دین صلح است و صلح نیز با عدل و داد، اخلاق، آزاد اندیشی، قبول دیگری و زندگی مسالمت‌آمیز در ارتباط است، اشاعه داد. (خبرگزاری مهر ۸۸/۳/۲ از دکتر خولی).

اسلام فرهنگ گفتگو به جای فرهنگ درگیری میان تمدنها و یا ادیان تأکید و دعوت می‌کند چرا که اصول و آموزه‌های اسلام هرگز تغییر نخواهند کرد؛ زیرا اسلام دین آزاد اندیشی که جلوگیری از خشونت و تعصب است. (خبرگزاری مهر ۸۸/۳/۲ نفیسه).

صلح از قدیمی‌ترین آرمان بشری و برقراری صلح در جهان ارتباط مستقیمی با حقوق بشر دارد. از صلح مساوی است با فقدان جنگ، یعنی زمانی که جنگ نباشد صلح است؛ اما امروزه با دید وسیع‌تر و همه جانبه‌تری به موضوع نگریسته می‌شود و آن اینکه صلح به معنای فقدان جنگ نیست، بلکه صلح مفهوم گسترده‌تری را در بر می‌گیرد که شامل موارد مختلف: امنیتی می‌شود. امنیت اقتصادی خصوصاً در حوزه رفاه اجتماعی، نبود فقر و توسعه یافتگی. امنیت زیست محیطی یعنی برخورداری انسان‌ها از یک محیط زیست سالم امنیت اجتماعی یعنی برخورداری شهروندان از تمام حقوق اجتماعی امنیت سیاسی یعنی ثبات و ساختارهای سیاسی درست و چرخش آزاد قدرت امنیت نظامی یعنی نبود جنگ و زندگی در صلح بنابراین صلح امروزه یک مفهوم چند بعدی دارد و ما نمی‌توانیم فقط آن را به مقوله نظامی محدود کنیم. از طرفی در تفسیرهایی که اخیراً از منشور ملل متحد به عمل آمده حقوق بشر دارای جایگاه ویژه‌ای است. در مقدمه و اصول منشور ملل متحد ارتقاء حقوق بشر، احترام به شان، منزل و کرامت انسانی جزء رسالت اصلی همه دولت‌ها ذکر شده است؛ بنابراین این طور نیست که بحث مساله حقوق بشر فقط یک مساله داخلی قلمرو و کشورها باشد و امروزه نقض حقوق بشر در هر جایی می‌تواند تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی تلقی شود. در طول تاریخ معاصر، از وسیله‌های متعددی به عنوان مداخلات بشر دوستانه برای دفاع از حقوق بشر استفاده شده است.

اگر چه در حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دارای ارزش و جایگاه والایی است و در کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها، بینانیه‌ها و مصوبه‌های مختلف، از حقوق بشر دفاع شده است، اما امروزه این موضوع به طور جدی‌تری در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته و بر این اساس حقوق بشر یکی از انشعابات اصلی و مهم حقوق بین‌الملل است. از این حیث هر نقض حقوق بشری که در عرصه بین‌المللی صورت گیرد، بر سایر کشورها نیز تأثیر می‌گذارد. (قوه قضایه جمهوری اسلامی ایران ۹۱/۷/۲۱ شفيعی).

۱۴- نمونه‌ای از آیات قرآن که در مورد صلح نازل شده:

خداوند متعال در آیه ۹۴ سوره نساء می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتُّونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَعْنَايُمْ كَثِيرَةٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خدا (و برای جهاد) سفر می‌کنید، تحقیق کنید و به خاطر این که متاع ناپایدار دنیا (و غنایمی) به دست آورید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگوئید: «مسلمان نیستی» زیرا غنیمتهای فراوانی (برای شما) نزد خداست. (نساء- ۹۴).

- آیه شریفه ۲۵ سوره یونس از دیگر آیاتی است که در مورد صلح سخن می‌گوید. فرماید: *وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ*؛ و خداوند به سرای صلح و آرامش دعوت می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، به راه راست هدایت می‌نماید. (یونس، ۲۵).

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمَعْلَقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (بقره، ۱۲۹).

شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت را به طور کامل اجرا کنید، هر چند بر آن کوشا و حریص باشید. پس نباید همه میل خود را به یکی از آنان معطوف دارید و دیگری را بلامتکلیف - که نه چون شوهرداران است و نه بی شوهران که بتواند همسری گیرد- به خود وانهد؛ و اگر میان خود صلح و سازش برقرار کنید و تقوا پیشه سازید، خداوند آموزش و رحمتش را بر شما می‌گستراند که آمرزنده و مهربان است.

«فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره، ۲۲).

آری باشد که درباره سعادت دنیا و آخرت خود بیندیشید؛ و از تو درباره یتیمان می‌پرسند. بگو: اصطلاح امور آنان به گونه‌ای که برایشان سودمند باشد نیکی است و اگر با آنان همزیستی کنید، آنها برادران شمایند، پس مانند دیگر مسلمانان با آنان رفتار کنید، نه حششان را تباه سازید و نه خود را سخت به زحمت بیفکنید که خداوند فسادگر و اصلاحگر را می‌شناسد و آن دو را از هم مشخص می‌سازد؛ و اگر خدا می‌خواست، شما را در مورد یتیمان به زحمت می‌انداخت ولی چنین نکرد چرا که خداوند مقتدری حکیم است.

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (بقره، ۲۲۴).

و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار ندهید (به نام او سوگند نخورید) که نیکی نکنید و تقوا را (۲۲۴) پیشه خود نسازید و میان مردم صلح و آشتی برقرار نکنید که خداوند شنوا و داناست.

و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار ندهید (به نام او سوگند نخورید) که نیکی نکنید و تقوا را پیشه خود نسازید و میان مردم صلح و آشتی برقرار نکنید که خداوند شنوا و داناست.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأُصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات، ۱۰).

همه مؤمنان- چه آنان که با یکدیگر در ستیزند و چه غیر آنان- جز این نیستند که با یکدیگر برادرند، پس بر شما فرض است که میان آن دو گروه از برادرانتان که با یکدیگر در ستیزند صلح و سازش برقرار کنید و همگان تقوای الهی را رعایت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

و کسانی که به کتاب آسمانی چنگ می‌زنند و نماز را بر پا داشته‌اند، اصلاحگران جوامع بشری هستند و آنان را پاداشی است و ما قطعاً پاداش اصلاح‌گران را تباه نخواهیم کرد.

وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ. (شوری، ۴۰).

و سزای بدی بدی ای مانند آن است، ولی هر که در گذرد و کار خود را میان خود و خدای خویش به صلاح آورد پاداش او بر عهده خداست. به یقین خدا سمتکاران را دوست نمی‌دارد.

و همگی به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) که شما را به خدا پیوند می‌دهد، چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت انداخت و در پرتو نعمت او با یکدیگر برادر شدید و آن گاه که بر پرتگاه گودالی از آتش بودید پس شما را از آن رهایی بخشید. بدین سان خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که شما راه یابید. (آل عمران، ۱۰۳).

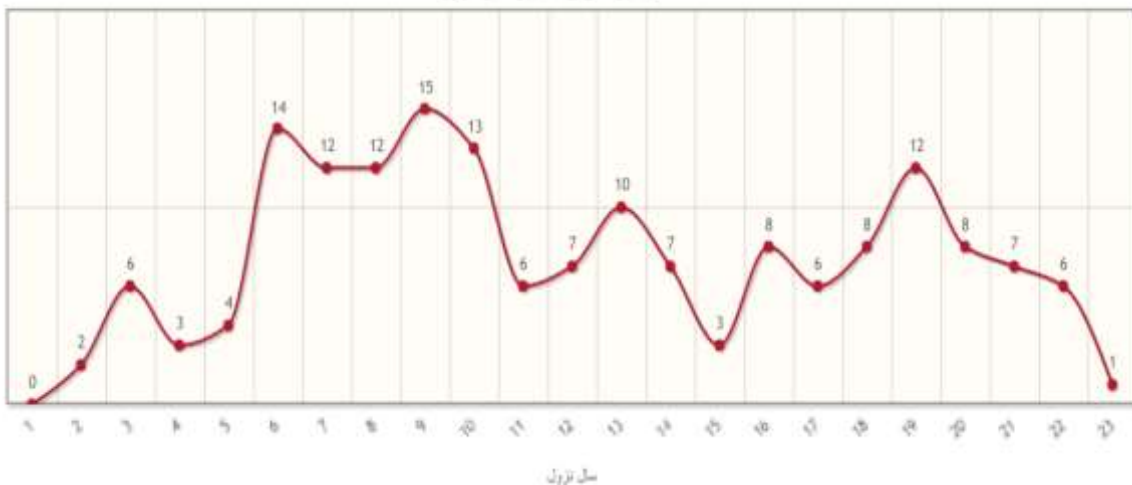
در آیه یک سوره انفال در رابطه با صلح و سازش آمده است: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال، ۱۰)؛ [ای پیامبر] از تو درباره غنایم جنگی می‌پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

همچنین، در آیات ۹ و ۱۰ سوره حجرات آمده است: «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ مَا قَاتَلْتُمَا لِلَّهِ فَالْمَقْسُطِينَ (۹) إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و (حجرات، ۹-۱۰) و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر بازگشت میان آن‌ها را دادگراانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد، در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا دارید امید که مورد رحمت قرار گیرید».

۱۵- نمودار آماری آیاتی که در مورد صلح نازل شده:

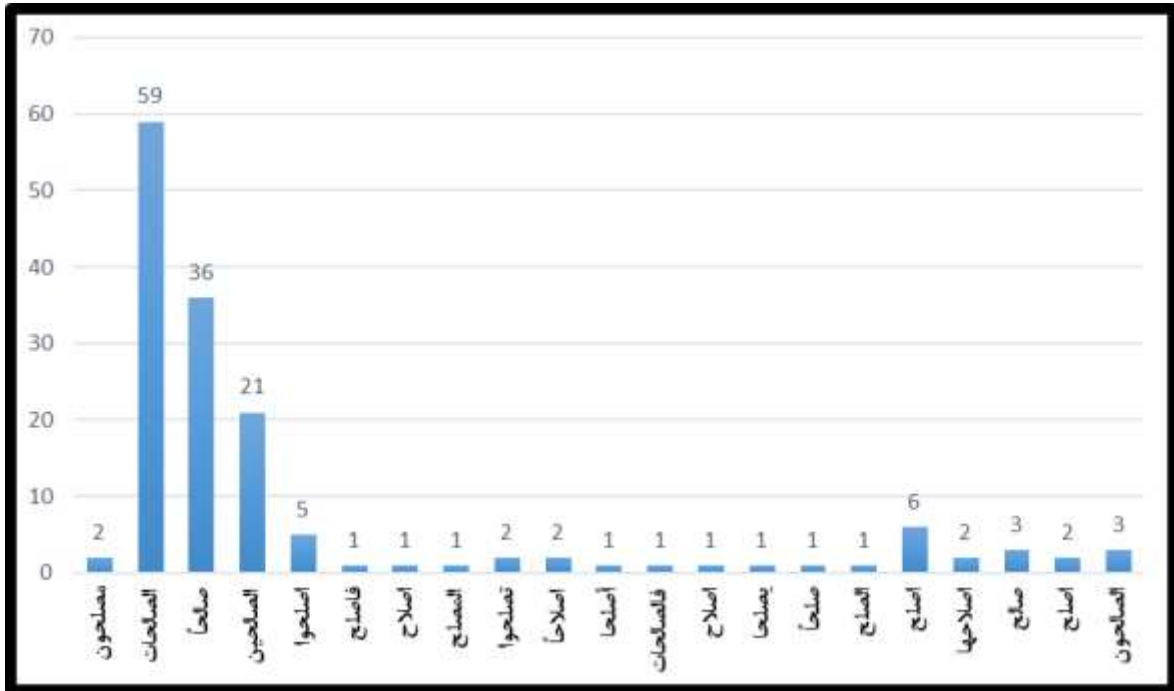
- در طول سال نزول قرآن کریم آیات صلح در هر سال به ترتیب نمودار زیر نازل شده اند، (سایت الکتاب/ریشه صلح/نمودار)

نمودار تکرار در هر سال نزول



نمودار ۱: نمودار تکرار در هر سال نزول

کلمات مشتق شده در قرآن در مورد صلح در قرآن با نمودار زیر نشان داده میشود:



نمودار ۲: کلمات مشتق شده در قرآن در مورد صلح در قرآن

(سایت الکتاب/ریشه صلح/نمودار)

نتیجه‌گیری

همانطور که اشاره شد خدا دین اسلام را دین صلح قرار داده است و آن ضرورتی برای جوامع انسانی است و اندیشه‌ی صلح را از مهمترین محورهای اسلام خوانده است. صلح آرزوی جوامع اسلامی است که امنیت را محقق و به آرامش تأکید دارد. لذا با وجود جنگهای متعدد در اسلام دو مورد را می‌توان تفسیر کرد. ۱- اینکه، صلح به این معنی نیست که اگر متجاوزی بخواهد کشور و دین اسلامی را مورد هجوم قرار دهد باید با آن سازش کرد و در اوج ضرباتی که چه از لحاظ جنگ نرم و چه از لحاظ جنگ سخت با یک کشور مسلمان رخ می‌دهد سکوت کرد و صلح را در پیش گرفت که این رویه باعث از بین رفتن آن کشور اسلامی می‌شود. ۲- در خیلی از جنگها در بررسی به عمل آمده متوجه این امر می‌شویم که تحریف دین و برداشت اشتباه از دین باعث رخ دادن این جنگها می‌شود. کما اینکه با رجوع به کتاب قرآن که فرمان خدا را توسط پیامبر به ما ابلاغ کرده می‌بینیم که اگر به خود کتاب فرمان خدا رجوع کنیم این جنگها اتفاق نخواهد افتاد پس راه حل اساسی این است که به خود کتاب قرآن و فرمایشات معتبر رسول او رجوع شود که در این صورت می‌توان به معنی اصلی صلح و آرامش در زندگی بشریت رسید. خداوند از یک سری بایدها و نبایدها در دین مقدس اسلام یاد کرده که راه درست را به ما نشان می‌دهد. در مورد صلح نیز اینچنین است لذا متأسفانه همانطور که بیان شد توجه نکردن به متن صحیح قرآن، مشکلات عدم امنیت و عدم صلح را به وجود می‌آورد که باعث جنگها و کشتارها در دورانهای مختلف است. خداوند نه تنها در قرآن و برای مسلمانان بلکه در کتب آسمانی دیگر هم مثل تورات و انجیل از صلح بسیار سخن به میان آورده و به همه‌ی انسانها فرمان دوستی و محبت و صلح داده است.

فهرست منابع:

- ۱- ارجینی، حسینی (۱۳۸۷) صلح و منازعه، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲- خبرگزاری مهر (۱۳۸۸/۳/۲) محمود نفیسه.
- ۳- رز نبرگ، مارسال (۱۳۹۱) بازگشت به صلح، ترجمه عباس یزدانی انتشارات امیر کبیر.
- ۴- سایت الکتاب/ ریشه صلح/ نمودار www.alketab.org.
- ۵- سیمبر رضا و قربانی، شیخ نشین (۱۳۸۸) روابط بین الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، سمت.
- ۶- عمید، حسن: فرهنگ عمید/۱۳۷۷/ج ۲/۱۳۶۶.
- ۷- قوه قضایه جمهوری اسلامی ایران (۹۱/۷/۲۱) نوذر شفیعی.
- ۸- گاستون، بوتول (۱۳۸۸) جامعه شناسی صلح، ترجمه هوشنگ فر خجسته، جامعه شناسان.
- ۹- مورگنتا، هانسرجی، (۱۳۸۹) سیاست میان ملت‌ها، مترجم حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- ۱۰- نرم‌افزار واژه‌یاب در قرآن کریم.
- ۱۱- همگرایی علمی، فرهنگی (۱۳۹۰/۶/۲۵) آصف مهاجر.

Religious Views and Theology the Realization of Peace in Islam

Hamed Mohaghegh Nia ¹, Hamid Reza Kiasat ², Ellahe Eghlima ³

1- Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Ahwaz Branch -Iran (Corresponding Author)

2- Ph.D. Student in International Relations Islamic Azad University, Khorramshahr Branch - Persian Gulf

3- Ph.D. Student in International Relations Islamic Azad University, Khorramshahr Branch - Persian Gulf

Abstract

The present article examines the role of religious and divine theories of peace in the development and unification of human societies in the world, especially in terms of Islam. The authors intend to study the different meanings of peace from different perspectives and the goals of these theories for the unity of human societies in this paper. The findings of the research, which have been obtained using descriptive-analytical method, indicate that all religions Divine, especially Islam, views a special peace with a particular view, and Qur'anic verses that have led people to peace and peace be upon him. In the current world where extremism threatens peace and friendship of the world more than ever, the importance of these religious theories and the theology of peace in international relations raises the question of how to base on valid sources and accepted scientific method of religious scholars, to achieve coherent theories and to unite human societies from dialogue instead of violence.

Keywords: security, jihad, human rights, peace, the theory of peace theology
